

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۹۷

۲۴ اسفند ۱۳۸۰

۱۵ مارس ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

اصغر کریمی

Tel: 0044-771-409-7928
asqar_karimi@yahoo.com

اسد گلچینی دبیر کمیته تشکیلات گل کشور
Tel: 0044-794-041-6768
asad.golchini@ukonline.co.uk

شهلا دانشفر دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب
Tel: 0046-739 855 837
r_hoseinzadeh@yahoo.com

بهرام مدرسی دبیر کمیته مرکزی
سازمان جوانان کمونیست
Tel: 0049-174-944-0201

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

جمهوری اسلامی حداقل دستمزد را ۲۳ درصد افزایش داد این تصمیم با اعتراضات سراسری کارگران پاسخ خواهد گرفت!

و نفرت خود را علیه تصمیم بیشرمانه حکومت اسلامی نشان دهند. باید بلافاصله مجامع عمومی را برپا کنند، با مراکز دیگر کارگری تماس بگیرند، کمیته های هماهنگی اعتصاب سازمان دهند و با اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات های پی در پی و قدرتمند سران حکومت اسلامی را به عقب نشینی وادارند. خانه کارگرها و شوراهای اسلامی را باید منزوی کرد و اعتراضاتی کاملا مستقل از آنها رقم نیز کمتر است. با این تصمیم حداقل دستمزد در سال آینده حدود ۷۰ هزار تومان خواهد شد. و بدین ترتیب زندگی فقیرانه کارگران از اینهم خرابتر خواهد شد. برای طبقه کارگر راهی وجود ندارد که بطور سراسری علیه این دهن کجی رژیم اسلامی به خواست فوری خود و در اعتراض به این تصمیم بیشرمانه به میدان بیاید. سازمان دادن اعتراضات قدرتمند و سراسری مزدبگیران پاسخ به این تصمیم جنایتکارانه است. میلیونها کارگر باید خشم

سرانجام روز گذشته، سه شنبه ۲۱ اسفند، شورای عالی کار میزان افزایش حداقل دستمزد را ۲۳ درصد اعلام کرد. همانطور که حدس زده میشد این "افزایش" در واقع یک کاهش واقعی در قدرت خرید کارگران است. چرا که حتی آثار مخرب تورم سال گذشته را نیز خنثی نمی کند. بنا به گفته خود مقامات رژیم میانگین افزایش دستمزد چیزی در حدود ۱۷ درصد خواهد بود که به احتمال زیاد از این

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اسفند ۱۳۸۰

کمپین گسترده حزب به مناسبت ۸ مارس در تاریخ مبارزات رادیکال مردم ثبت خواهد شد

کارگری پلانتفرمی در دفاع از حقوق زنان و کودکان خانواده های اسلامی تهیه کرده و در نظر دارد فعالیت در این عرصه را در ابعادی هرچه وسیعتر در کشورهای مختلف سازمان دهد. هشت مارس امسال روز حضور قدرتمند کمونیستها در دفاع از حقوق زنان و روز اعتراض به آپارتاید جنسی و حجاب اجباری و بیحقوقی و تبعیضات مختلف علیه زنان بود. آکسیونها و اقدامات آزادیخواهانه ۸ مارس امسال بعنوان یک نقطه مهم در تاریخ مبارزات رادیکال مردم ایران ثبت شد. زنان و مردان آزادیخواه به فراخوان حزب کمونیست کارگری در تهران و لندن، در بوکان و استکهلم و سنندج و کلن و کپنهاگ حجاب را به آتش کشیدند و اعلام کردند تا نابودی جمهوری اسلامی و رسیدن به برابری کامل زن و مرد از پای نخواهند نشست.

و سیدنی و ... شاهد مراسمها، تظاهراتها، سخنرانی ها، میزگردها، نمایشگاه عکس، تئاتر خیابانی و آکسیونهای پر شور حزب بودند. در آکسیونهای حزب در خارج، همراه با مردم در شهرهای تهران، سنندج، تبریز و بوکان حجاب اجباری این سمبل بردگی زن به آتش کشیده شد و زیر پا لگدکوب شد. رسانه های سراسری کشورهای مختلف دهها مصاحبه با کادریهای حزب ترتیب دادند و سازمانهای مدافع حقوق زن کادریهای حزب را به سمینارها و پانل های متعددی دعوت کردند. این سخنرانیها وسیعا مورد استقبال قرار گرفت. امسال در آستانه هشت مارس فعالیت گسترده کادریهای احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق در سوئد در دفاع از حقوق زنان و کودکان خانواده های اسلامی، دولت سوئد را به عقب نشینی و پذیرش قوانینی به نفع زنان و کودکان وادار کرد. حزب کمونیست

عمومی و در سطح بسیار وسیعی شعارنویسی کردند و در مراسمها شعار دادند، مردم برای رویارویی با حملات رژیم آمادگی داشتند و جاهائی که مزدوران جمهوری اسلامی قصد مزاحمت و متفرق کردن جمعیت را داشتند مقاومت کردند و بطرف مزدوران تخم مرغ پرتاب کردند. مردم بهمیدگر گل دادند و شیرینی پخش کردند، و اطلاعیه ها و تراکتهای حزب کمونیست کارگری ایران در ابعاد خیلی وسیعی از چند روز قبل در اکثر شهرهای بزرگ تکثیر و توزیع شدند. امسال دومین سال بود که مراسم ها و تجمعات وسیعی به فراخوان حزب در شهرهای ایران برگزار شد. در خارج ایران، امسال نیز کمپین وسیع تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری به مناسبت روز جهانی زن برگزار شد. شهرهای استکهلم، گوتنبرگ، برلین، کلن و فرانکفورت، لندن، کپنهاگ، هلسینکی، لاهه، تورنتو و ونکور

هشت مارس امسال روز اعتراض به حجاب و روز اعتراض به آپارتاید جنسی بود. در شهرهای مختلف ایران کمونیستها و فعالین جنبش رهائی زن حضوری قدرتمند داشتند. ویژگی حرکتها و مراسمهای ۸ مارس امسال وسعت و رادیکالیسم آن بود که بنحوی مستقیم و سمبلیک به حجاب و جداسازی زن و مرد حمله کرده بود. از تهران و کرج تا ارومیه و تبریز و از سنندج و مهاباد و دیگر شهرهای کردستان تا کرمانشاه و سمنان و سایر شهرهای ایران، باشکال گوناگون مراسمهای گرامیداشت روز جهانی زن برگزار شدند. در بعضی از این مراسم ها چادر را بعنوان بی حرمتی و بیحقوقی زن آتش زدند و یا زیر پا لگدکوب کردند، روسری و حجاب را از سر برداشتند و آنرا پرت کردند، دختران و پسران جوان جمعی آواز خواندند و رقصند، راهپیمائی و کوهنوردی کردند، در تجمعات مختلف سخنرانی کردند و قطعنامه صادر کردند، در اماکن

رفراندام، طرحی در مقابل جنبش سرنگونی صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

رفراندم، طرحی در مقابل جنبش سرنگونی

حمید تقوائی

مدتی است بخشی از نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، چه راست و چه آنها که بخودشان چپ میگویند و همینطور در بخشهایی از حکومت جمهوری اسلامی بحثی تحت عنوان رفراندم طرح میشود. معنی سیاسی این موضوع در شرایط سیاسی امروز ایران چیست و چه هدفی را دنبال میکند؟

بطور کلی و علی الاصول رفراندم میتواند در شرایطی کار درست و رو بجلوئی باشد اما امروز کسانی که رفراندم را مطرح میکنند دارند نوعی در برابر جنبشی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی پا گرفته، جنبش اعتراضی مداومی که آخرین نمونه اش مبارزه معلمان بود، مایاستند.

انجام یک رفراندم واقعی به شرایط و پیش شرطهایی نیازمند است. رفراندم در شرایطی معنای سیاسی واقعی دارد که در جامعه حد معینی از آزادیها وجود داشته باشد، آزادی فعالیت احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، آزادی نشر عقاید، شرایطی که مردم با نظرات گروهها و احزاب و شخصیتهای سیاسی آشنا شده باشند، و معلوم باشد مشخصا چه سؤالی در رفراندم طرح میشود و موضع احزاب و نیروها و شخصیتها در مورد آن سؤال چیست. شرایطی که مردم بتوانند با روشنی و چشم باز در رفراندم شرکت کنند و بدانند به چه رای میدهند. روشن است که امروز در ایران هیچیک از این شرطها وجود ندارد و اصلا مبارزه مردم بر سر اینست که این آزادیها بدست بیاید. در غیاب این شرایط رفراندم یعنی این مبارزه برای آزادی را دور زدن و یا به بیان بهتر این مبارزه را مخدوش و تحریف کردن. رفراندم موهومی که نه جمهوری اسلامی هیچوقت به آن رضایت میدهد و نه معنی و محتوای سیاسیش بر کسی معلوم است در واقع صرفا موضعی است برای اینکه صحبتی از مبارزه مردم در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی بیجان نیاید.

اگر کسی واقعا جویای نظر

مردم از طریق رفراندم است، قبل از هر چیز باید روشن کند که سؤال این رفراندم چیست؟ اینرا حتی خود نیروهایی که رفراندم را طرح میکنند بروشنی نمیدانند. اگر سؤال این باشد که جمهوری اسلامی برود و یا خیر که انسان باید خیلی ساده لوح و خوش خیال باشد که فکر کند میشود جمهوری اسامی را با رفراندم کنار گذاشت. در هیچ جای دنیا هیچ حکومتی با یک رفراندم قدرت را رها نمیکند. حتی در آزادترین دموکراسی های غربی راه تغییر کابینه و دولت انتخابات چهار سال و یا پنجسال یک بار است و هیچ دولتی در فاصله دو انتخابات به رفراندم برای واگذار کردن قدرت به حتی حزب بغل دستی رضایت نمیدهد. چه برسد به نظامی مثل جمهوری اسلامی که در آن حتی از انتخابات مبتنی بر ابتدائی ترین موازین دموکراتیک هم خبری نیست. درایت سیاسی فوق العاده ای لازم نیست تا انسان بفهمد که جمهوری اسلامی را باید به نیروی اعتراض و مبارزه مردم سرنگون کرد، با رفراندم و طرح یک سؤال نمیشود آنرا کنار گذاشت. طرح رفراندم، امروز که این مبارزه آغاز شده و اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی هر روز ابعاد تازه ای پیدا میکند، در واقع تلاشی است برای منحرف کردن این مبارزات. رفراندم بعنوان آلتزاتیوی سرنگونی مطرح میشود و این توهم را ایجاد میکند که بجای اعتراض و مبارزه میشود بیای صندوق رای رفت و جمهوری اسلامی را کنار گذاشت. این تازه در مورد نیروهای صلح میکند که میخواهند از رفراندم به جایگزینی رژیم برسند. بسیاری لز طرح شعار رفراندم هدفشان تنها ایجاد تغییراتی در همین رژیم اسلامی است. طیفی از نیروهای دو خردادی در درون و بیرون رژیم رفراندم را صرفا بعنوان اهرم فشار به جناح مخالف خود در حکومت طرح میکنند. شعار رفراندم به این معنی دیگر یک شعار کاملا ارتجاعی است که در برابر جنبش اعتراضی مردم و با هدف حفظ رژیم مطرح

میشود. این نیروها رفراندم را بعنوان یک تاکتیک مطرح میکنند. خودشان هم میدانند در اختناقی که برپا کرده اند رفراندم حرف پوچی است ولی با اینهمه این شعار را مطرح میکنند تا بخیل خود از جناح رقیب امتیاز بگیرند.

اگر واقعا کسی بخواهد نظر مردم را بداند احتیاجی به رفراندم ندارد. مردم در تنها شکل عملا ممکن "رفراندم" در اختناق جمهوری اسلامی، یعنی در اعتراضات و شورش های شهری، نظیر شورش ۱۸ تیر، در مبارزات دانشجویان، در مبارزات زنان و در اعتراضات بیوقفه کارگران بارها و بارها به جمهوری اسلامی نه گفته اند. اگر هدف کسب نظر مردم است رفراندم دیگر معنی ندارد. مردم با پاهایشان رای داده اند و گفته اند ما کل این رژیم را نمیخواهیم. مساله نامعلوم رای مردم نیست، مساله اینست که طیف نیروهای دوخردادی طرفدار رفراندم رای دیگری دارند. میخواهند رژیم را با کمترین تغییرات ممکن حفظ کنند، میخواهند خامنه ای را رام کنند و جمهوری اسلامی را نگهدارند. مردم در رفراندم عملی و واقعی به کلیت رژیم نه گفته اند. اینها نمیخواهند بپذیرند و دقیقا بهمین دلیل است که شعار رفراندم را طرح میکنند. این معنای واقعی سیاسی شعار رفراندم در شرایط امروز است. یکی از استدلالاتی که در حمایت از رفراندم طرح میکنند اینست که مردم باید بالاخره خودشان انتخاب کنند که چه حکومتی میخواهند. این موضوع که طرفداری از آن از طیف نیروهای خواهان رفراندم فراتر میروند در ظاهر خیلی دموکراتیک است ولی در واقع هیچ راهی مردم نشان نمیدهد. وقتی از این نیروها میپرسید خواهان چه نوع حکومتی هستید جواب میشوند که "مردم باید خودشان انتخاب کنند"، ما خواهان "حکومت مردمی" هستیم، ما "نظام مردمسالار" میخواهیم. اینها همه حرفهای دهان پرکنی است برای اینکه هیچ نگوییم. درست است مردم باید انتخاب کنند، اما چه چیزی را؟ این انتخاب وقتی معنی دارد که احزاب و سازمانهای سیاسی از قبل انتخابشان را کرده باشند. مردم برای انتخاب باید بدانند هر حزب و نیرویی چه میگوید و چه برنامه ای دارد. مردم تنها میتوانند از میان آلتزاتیوهای موجود انتخاب کنند. مردم میخواهند و حق دارند

بدانند که هر حزب و نیروی اپوزیسیون اولاً چه نمیخواهد، یعنی چرا و تا چه حد با رژیم مخالف است و ثانیاً چه میخواهد، یعنی میخواهد چه تغییری بوجود بیاورد و خواهان چه نوع حکومتی است. مردم باید بدانند احزاب و نیروهای اپوزیسیون به مذهب چه تعلق دارند و در رابطه با حکومت مذهبی چه میگویند، نظرشان در باره ستم بر زنان و برابری زن و مرد چیست، آیا آزادی بیان و مطبوعات و تشکل و تحزب و اعتصاب را برسمیت میشناسند و یا در هر مورد قید و شرط و اما و اگر خود را دارند، در مورد حقوق کارگران چه میگویند، در نقد آپارتاید جنسی چه نظری دارند، در مورد حقوق زنان و جوانان چه میگویند و بالاخره در یک کلام مردم میخواهند بدانند نقد و اعتراض نیروهای اپوزیسیون و راه حل های آنها تا چه اندازه بر اعتراضات و خواستههای واقعی آنان منطبق است. مساله رفراندمیستهای ما، چه بخش سلطنت طلب آن و چه دو خردادها، در واقع اینست که سیاستها و اهدافشان ربطی به اعتراضات و خواستههای توده مردم ندارد و طرح رفراندم تنها موضعی است برای آنکه مبارزه مردم برای رسیدن به خواستههایشان را دور بزنند و آلتزاتیوی نه در برابر رژیم بلکه در برابر جنبش سرنگونی طلب مردم ارائه بدهند. برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و رهائی مردم باید یک مبارزه وسیع اجتماعی را سازمان داد و این دقیقا کاریست که رفراندمیستها، حتی سرنگونی خواهانشان، نمیخواهند و نمیتوانند بکنند. عامل دیگری که بعضی از نیروها در دفاع از رفراندم بیان میکنند احتراز از خشونت است. میگویند رفراندم یک راه مسالمت آمیز برای تغییر حکومت به مردم ارائه میکند در حالیکه مبارزه و اعتراض و انقلاب خشونت آمیز است و به خونریزی میانجامد. این نوع استدلال در واقع اختراع شده تا دفاع از حکومت و کل نظام جمهوری اسلامی را در برابر مبارزه مردم توجیه کند و به همین خاطر کاربردی فراتر از طیف رفراندمیستها دارد و تمامی خط دو خرداد، در بیرون و درون رژیم، بارها و بارها در مقابل اعتراضات و مبارزات مردم به آن متوسل شده اند. این نیروها در واقع بخاطر اهداف سیاسی ای که دارند، در کنار رژیم و در مقابل اعتراض و مبارزه مردم ایستاده اند اما

مایلند این رنگ انساندوستانه را بمواضع ضد انسانیشان بزنند که "ما مخالف خشونت هستیم". به این نوع مسالمت جویان باید گفت کافیس چشمستان را باز کنید تا ببینید که عامل خشونت رژیم جمهوری اسلامی است و نه مردمی که با آن مبارزه میکنند. مردم با دست خالی بخیبان میایند و خواستههای انسانی و برحقشان را مطالبه میکنند و آنکه با باتوم و گلوله و زندان و شکنجه به آنان جواب میدهد رژیم است. این مردم و نیروهای انقلابی نیستند که خشونت میکنند این رژیم و نیروهای ضدانقلابی هستند که برای حفظ خود، برای آنکه خواستههای برحق مردم را برسمیت نشانند، به خشونت متوسل میشوند و ارتش و پلیس را بجان مردم میاندازند. همیشه و در همه انقلابها همینطور بوده. ضد انقلاب مردم را به گلوله بسته است و "انساندوستانی" از قماش دو خردادی ها خشونت را بپای انقلاب نوشته اند و انقلابیون را نصیحت کرده اند که دست از خشونت بردارید!

این انساندوستی نیست این حمایت از سرکوبگران است. جمهوری اسلامی و دوخردادی های مسالمت جو همدیگر را تکمیل میکنند. یکی میزند و میکشد و دیگری خطاب ب مردم میگوید مبارزه خشونت آمیز نکند! درد اینان مبارزه علیه خشونت نیست، مبارزه علیه مردم است. اگر کسی واقعا با خشونت مخالف است باید در برابر جمهوری اسلامی بایستد و به رژیم بعنوان عامل و منشا خشونت و کشتار در جامعه اعتراض کند. اگر کسی واقعا ضد خشونت است باید از مبارزه مردم، یعنی مبارزه علیه خشونت سازمانیافته دولتی که نه تنها وقتی مردم اعتراض میکنند، بلکه همیشه و هرروزه علیه مردم اعمال میشود، حمایت کند و فعالانه به این مبارزه بپیوندد. این تنها معنای واقعی انساندوستی و خشونت ستیزی است.

خلاصه کنیم. مساله نه دموکراسی پنهانی است و نه مسالمت جوئی. اینها همه توجیهاتی ناشیانه است. رفراندم را نه بخاطر احترام به رای مردم مطرح میکنند و نه از فرط خشونت ستیزی و انساندوستی. در شرایط امروز ایران رفراندم حتی راه دیگری برای تغییر و یا تعویض رژیم نیست. این تنها راه دیگری برای مخالفت با نه مردم به کلیت رژیم و مبارزه آنان برای سرنگونی است. ■

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England